



واکاوای سیاست کیفری مقابله با تروریسم محیط‌زیستی با تأکید بر تمهیدات بازراننده

بهروز سپهری^۱، نوروز کارگری^{۲*}، محمد آشوری^۳، قاسم قاسمی^۴

- ۱- دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
- ۲- استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. *(نویسنده مسئول)
- ۳- استاد، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
- ۴- استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

نوع مقاله:	چکیده
پژوهشی	مقدمه: تروریسم محیط‌زیستی با هدف یا ابزار قرار دادن محیط‌زیست، تهدیدی جدی علیه امنیت زیستی محسوب می‌شود و قابلیت زیست را از محیط سلب می‌کند و به خاطر وابستگی حیاتی، گسترده و اجتناب‌ناپذیر انسان‌ها با محیط‌زیست، می‌تواند آسیب‌های گسترده و جبران‌ناپذیری به حیات و سلامت انسان‌ها وارد نماید و غالباً بارزترین آثار آسیب‌های وارده به امنیت و سلامت محیط‌زیست به صورت بیماری‌های همه‌گیر نمایان می‌شود و از طرفی اثرگذاری خزنده و مخفیانه‌ی آثار ناشی از اقدامات منتهی به خارج شدن محیط‌زیست از قابلیت زیست سالم و مرزگذر بودن آثار این‌گونه اقدامات و امکان انتقال آثار یادشده از طریق جریان هوا یا آب و یا ناقلان عوامل بیماری به کشورها و مناطق فراتر از محل حادثه، و احتمال سرایت بخشی از این آثار بر حیات و سلامتی نسل‌های آینده از طریق سازوکار پیچیده‌ی ژنتیکی، جدیت خطر پیشامد تروریسم محیط‌زیستی را آشکار می‌سازد، از این رو هدف از این پژوهش، تبیین راهکارهای مقابله قانونمند، فنی و تخصصی با تروریسم محیط‌زیستی در قالب سیاست کیفری کارآمد همراه با تعامل بین‌المللی، با تأکید بر ضرورت تدابیر پیشگیرانه بیان می‌شود.
تاریخچه مقاله:	مواد و روش‌ها: در پژوهش جاری مطالب و اطلاعات مورد استفاده در پژوهش، با روش کتابخانه‌ای گردآوری می‌شوند و سپس با روش توصیفی - تحلیلی، یافته‌ها و مطالب گردآوری شده مورد تجزیه و تحلیل منطقی و حقوقی قرار می‌گیرند.
دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۶ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۲۲	نتایج: در یک سیاست کیفری کارآمد علاوه بر جرم‌انگاری تروریسم محیط‌زیستی همراه با مفهوم عناصر اختصاصی مشخص، انتظار می‌رود که اقداماتی تخصصی در شناسایی و جرم‌انگاری رفتارهایی صورت پذیرد، که صرف‌نظر از سطح قباح اجتماعی و میزان خسارات ناشی آن‌ها برای جامعه، نسبت به تروریسم محیط‌زیستی جنبه مقدماتی دارند و جرم‌انگاری اینگونه رفتارها، در قالب جرائم مانع در
کلیمات کلیدی:	تروریسم محیط‌زیستی ایمنی زیست سیاست کیفری محیط زیست مقابله

پیشگیری از این پدیده جنایی امری ضروری به نظر می‌رسد که با کنکاش در مقررات داخلی، عناصر قانونی اینگونه رفتارها قابل ردیابی است.

بحث: در حقوق کیفری داخلی و نظام بین‌المللی به دلایل مختلف، اقدامی اختصاصی در مقابله با تروریسم محیط‌زیستی به عنوان رفتار مجرمانه‌ی مستقل، با مفهوم، عناصر اختصاصی و شرایط مشخص مورد توجه قرار نگرفته است؛ اما به دلیل ذات‌باور بودن رفتارهای مربوط به تروریسم محیط‌زیستی، این‌گونه از تروریسم ذاتاً قابل سرزنش بوده و بر حسب قاعده، می‌توان آن را در مقررات کیفری داخلی و بین‌المللی مشمول عناوین مجرمانه مختلف قرار داد و در حقوق کیفری داخلی، می‌توان مصادیق قابل توجهی از رفتارهای مشمول تروریسم محیط‌زیستی را به عنوان مصادیقی از افساد فی‌الارض موضوع ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) قابل تعقیب دانست و از طرفی در نظام بین‌المللی از عمومات مقررات حاوی مقابله با تروریسم به مفهوم عام، نظیر کنوانسیون‌ها، پروتکل‌ها و قطعنامه‌های شورای امنیت، می‌توان تمهیدات شایان توجهی استخراج نمود، که در پیشگیری از تروریسم محیط‌زیستی اثرگذار و کارآمد خواهند بود.

مقدمه

تروریسم محیط‌زیستی به‌مثابه‌ی جنگ محیط‌زیستی، متضمن به کارگیری قدرت طبیعت و قابلیت محیط‌زیست برای اهداف خصمانه است و عاملین اینگونه تروریسم، با بهره‌گیری از آموزه‌های علمی و فناوری نوین، بدون شلیک گلوله‌ای، به شیوه‌های مختلف، نظیر آلوده‌سازی عناصر محیط‌زیستی از جمله آب، هوا، خاک و همچنین منابع غذایی یا آبی در منطقه مورد نظر با مواد خطرناک و سمی و ایجاد شرایط آب و هوایی مصنوعی و تغییر در نوسانات طبیعی بارش در منطقه‌ای، بارور کردن ابرها و ایجاد سامانه بارشی سیل‌آسا، ایجاد رعد و برق‌ها و زمین لرزه‌های مصنوعی و امواج کشنده و راه‌های دیگری که در عین حال که موجب سلب امنیت محیط زیست می‌شوند، محیط‌زیست را از قابلیت زیست سالم خارج می‌سازند و تلفات جانی گسترده - گاهی در حد نسل‌کشی - بر جامعه هدف تحمیل می‌کنند و علاوه بر آن که در شرایطی فارغ از دخالت دولت‌ها و مناسبات بین‌المللی ارتکاب می‌یابد، در مخاصمات مسلحانه نیز در مقیاس کلان و به اقتضای امکانات در دسترس، به دلیل سهولت در آسیب‌رسانی عمیق و گسترده به طرف مخاصمه، همواره در طول تاریخ مورد توجه طرفین مخاصمه بوده است و از طرفی شیوه‌های مختلف پیشامد تروریسم محیط‌زیستی به موازات پیشرفت علم و تکنولوژی و با بهره‌گیری از داده‌های علمی، متنوع‌تر و پیچیده‌تر شده است و در صورتی که در قالب تروریسم دولتی و به مدد امکانات

گسترده نظام‌های سیاسی، محیط زیست طبیعی یا انسان‌ساخت، به عنوان ابزار یا هدف خشونت قرار گیرند، ممکن است بقاء یا سلامتی جامعه‌ی هدف و حتی گاهی بسیار فراتر از منطقه وقوع، با خطر جدی مواجه شود و در اثر به خطر افتادن سلامتی و زندگی انسان‌ها، هراس و وحشت، جامعه را فرا می‌گیرد و در نتیجه صلح، نظم و امنیت جامعه سلب می‌شود و به گواهی رویدادهای تاریخی، نظیر حملات شیمیایی ارتش عراق به ایران یا مناطق کردنشین عراق در دوره جنگ هشت‌ساله ایران و عراق و همچنین جنگ عراق و کویت (۱۹۹۰)، هر گاه جنگ و تروریسم محیط‌زیستی به صورت همزمان، در رویدادی واحد جمع شوند، سلامتی و زندگی انسان‌ها را با مقیاس گسترده، در معرض خطر جدی‌تری قرار می‌دهد و از طرفی با ملاحظه‌ی رویدادهای هسته‌ای اعم از عمدی نظیر بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی و غیرعمدی یا ناشی از خطای انسانی و نقص طراحی راکتورها، نظیر حادثه تری‌مایل‌آیلند در سال ۱۹۷۹ در آمریکا و چرنوبیل در سال ۱۹۸۶ در اکرین و همچنین رویدادهای ناشی از قهر طبیعت (زلزله و سونامی) مانند فوکوشیما در ژاپن در سال ۲۰۱۱ که محیط زیست محل وقوع حوادث و حتی کیلومترها دورتر را به سرزمین سوخته بدل می‌کنند و حیات و سلامتی کلیه‌ی موجودات زنده در مناطق رویداد را با آسیب‌های جبران‌ناپذیری روبرو می‌سازد، هشدار جدی برای جوامع بشری محسوب می‌شوند تا خطر تروریسم محیط‌زیستی مورد توجه ویژه قرار گیرد و در مقابله با آن، اقداماتی عاجل همراه با تعامل و همکاری

تروریستی، علاوه بر پژوهش‌های علمی و دانشگاهی فراوانی که با موضوع تروریسم اراده شده، اسناد بین‌المللی متعددی در خصوص وقایع خاص تروریستی و یا به صورت عام به مقوله تروریسم پرداخته شده است، اما در خصوص تروریسم محیط‌زیستی، علاوه بر این‌که در تدوین و پیش‌بینی سیاست جنایی کارآمد و قابل توجه جهت مقابله با این پدیده جنایی، در نظام‌های کیفری داخلی و بین‌المللی کوتاهی شده است، در امر پژوهش نیز مقوله‌ی تروریسم محیط‌زیستی متناسب با اهمیت موضوع، مورد توجه قرار نگرفته و با بررسی پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه، این نتیجه حاصل می‌شود که تنها جوانب معدودی از موضوع در قالب مقالاتی پژوهشی مورد کنکاش قرار گرفته است و در ارائه راهکارهای مقابله بویژه نوعی سیاست کیفری کارآمد در مقابله با تروریسم محیط‌زیستی اقدامی جدی و مؤثری انجام نشده است، به همین خاطر انجام پژوهشی جامع همراه با اطمینان خاطر از پژوهش‌های سابق در خصوص بخشی از مسائل مربوط به اینگونه از تروریسم، امری دشوار خواهد بود.

مواد و روش‌ها

در پژوهش جاری ابتدا به کمک دکترین حقوقی و پژوهش‌های نظری، مفهوم تروریسم محیط‌زیستی با محوریت عناصر اختصاصی آن بررسی شده و سپس بایسته‌های جرم‌انگاری و نیز آسیب‌ها و موانع کارآمدی سیاست کیفری تقنینی در مقابله با این پدیده جنایی، شناسایی و تحلیل می‌شود و در ادامه جهت ریشه‌یابی سیاست جنایی مقابله با تروریسم محیط‌زیستی در نظام کیفری ایران، به مدد آموزه‌های فقهی، سنخیت و رابطه آن با افساد فی‌الارض در آموزه‌های فقهی مورد بررسی قرار می‌گیرد و در نهایت با بررسی قوانین و مقررات کیفری، جامعیت سیاست کیفری در روند مقابله و میزان کارآمدی نظام کیفری حاکم بر سازوکار مقابله‌ی قانونمند با تروریسم محیط‌زیستی واکاوی می‌شود و در نهایت با هدف تأکید بر اقدامات بازدارنده، پاره‌ای از تمهیدات پیش‌بینی شده در قوانین مختلف استخراج شده‌اند و بر کارآمدی آن‌ها در مقابله با تروریسم محیط‌زیستی تأکید شده است.

بین‌المللی و فارغ از جانبداری‌های سیاسی صورت پذیرد و تدابیری کارآمد اعمال گردد.

ارزیابی سیاست کیفری مقابله با هر پدیده جنایی و بررسی تمهیدات لازم در مقابله، با لحاظ مصالح اجتماعی، در ابتدای امر از قباحت اجتماعی آن پدیده تأثیر می‌پذیرد و بدون تردید گستردگی و عمق آثار خسارت‌بار ناشی از پدیده جنایی مورد مطالعه در قباحت رفتار و به تبع آن سیاست کیفری مقابله مؤثر خواهد بود و از آنجا که تروریسم محیط‌زیستی از طریق هدف یا ابزار قرار دادن عناصر محیط زیست طبیعی (اعم از آب، خاک و هوا) یا انسان‌ساخت، که منتهی به سلب قابلیت زیست از محیط می‌شود ارتکاب می‌یابد و از این رهگذر تمامیت جسمانی افراد جامعه در معرض خسارات گسترده و جبران‌ناپذیری قرار می‌گیرد، نوعی سیاست کیفری مقابله را طلب می‌کند که با لحاظ دو ویژگی جبران‌ناپذیری و گستردگی تروریسم محیط‌زیستی، علاوه بر پیش‌بینی مقررات جامع سرکوبگرانه در چارچوب اصول حاکم بر حقوق کیفری، تمهیدات پیشگیرانه نیز جدی انگاشته شوند و تا حد امکان از وقوع چنین جنایاتی پیشگیری به عمل آید.

کارآمدی سیاست کیفری در مقابله با تروریسم محیط‌زیستی، همراه با رعایت حقوق و آزادی افراد جامعه، در گرو آن است که در بدو امر مفهوم، شرایط تحقق و عناصر اختصاصی این پدیده جنایی روشن شود، اما از آنجا که مقوله‌ی "تروریسم" در شمار عبارات و اصطلاحات مجمل، نارسا و تفسیربردار است و مفهوم‌شناسی آن موجب اختلاف نظر و تفسیرهای متفاوت و گاهی متعارض شده است، مفهوم‌شناسی تروریسم محیط‌زیستی و تعیین گستره فراگیری آن امری دشوار بوده و همین امر در شمار موانع اساسی در تدوین سیاست کیفری کارآمد در مقابله با این پدیده جنایی شده است، بر همین اساس در این مختصر سعی شده است، ابتدا مفهومی کاربردی از تروریسم محیط‌زیستی ارائه گردد و بر مبنای آن گستره فراگیری این پدیده جنایی روشن شود.

صلح، نظم و امنیت جامعه، در شمار ارزش‌های بنیادینی هستند که موضوع اصلی جرم تروریسم را تشکیل می‌دهند و صیانت از اینگونه ارزش‌ها، همواره در شمار دغدغه‌های اصلی بشر در نظام بین‌الملل بوده است، از این رو به منظور ارائه‌ی راهکار در مقابله با رفتارهای

سوءنیت، صورت می‌گیرد و موجب کاهش کیفیت محیط زیست می‌شود (Vircavs, 2009) در حدی که سلامت و قابلیت زیست از محیط سلب شده و به دنبال آن "زندگی و سلامتی انسان‌ها" با خطر جدی روبرو خواهد شد، به گونه‌ای که هراس و وحشت جامعه را فرامی‌گیرد و صلح، نظم و امنیت جامعه سلب می‌شود.

تروریسم محیط‌زیستی مانند جنگ محیط‌زیستی، متضمن به کارگیری قدرت طبیعت برای اهداف خصمانه است و هم شامل موردی می‌شود که خود محیط‌زیست را هدف قرار می‌دهد، مانند آلوده کردن عمدی آب یا منابع کشاورزی و هم موردی را در بر می‌گیرد که محیط‌زیست به‌عنوان یک وسیله‌ای برای انهدام، مانند منتشر کردن سلاح‌های شیمیایی یا بیولوژیک در اتمسفر مورد استفاده قرار می‌گیرد (Schofield, 1999)؛ Schofield در ۱۹۹۹ تروریسم محیط‌زیستی را استفاده از محیط زیست به عنوان راهی برای نابودی و تخریب، مانند مسموم کردن منبع آب یک مرکز شهری توصیف می‌کند (Matthew, 2013, p.36) و Chalecki در ۲۰۰۱ در تعریف تروریسم محیط‌زیستی ابراز نموده که: "تروریسم محیط‌زیستی استفاده غیر قانونی از خشونت علیه منابع محیط‌زیستی در منطقه‌ای، به منظور محروم کردن ساکنان منطقه مورد نظر از منافع آن منابع و یا به منظور تخریب دارایی‌های دیگر افراد جامعه می‌باشد" (Chalecki, 2001). در برداشت دیگری از مفهوم تروریسم محیط‌زیستی، گفته می‌شود: "به هر اقدامی اطلاق می‌گردد که با بهره‌گیری از مواد سمی و خطرناک، آسیب و تهدیدی را که نوعاً برای محیط‌زیست انسان‌ها، حیوانات و محیط طبیعی (زیان‌بار است) با هدف ایجاد اختلال شدید در نظم عمومی از طریق هراس‌افکنی یا ایجاد وحشت فراهم نماید" (Pourhashemi et al., 2016). در حقوق کیفری فرانسه، تروریسم محیط‌زیستی، به‌عنوان یکی از مصادیق تروریسم، جرم‌انگاری شده است و ماده ۲-۴۲۱ قانون مجازات این کشور جهت تبیین مفهوم و گستره اینگونه تروریسم مقرر نموده که: "شرکت عمدی یک فرد یا جمع، اگر با هدف ایجاد وحشت شدید در نظم عمومی از طریق ارباب یا وحشت، در عمل وارد کردن موادی که از اساس، بهداشت انسان یا حیوانات یا محیط طبیعی را در معرض خطر قرار می‌دهد، اعم از آن‌که در فضا، روی زمین، در مواد خوراکی

پژوهش جاری از نظر هدف با روش بنیادی نتایج پژوهش‌های صورت گرفته موجب گسترش نظریات و دکرترین حقوقی در شناخت مفهوم، ویژگی‌ها و عناصر اختصاصی تروریسم محیط‌زیستی و تکمیل نظریات سابق خواهد شد و همچنین با رویکرد کاربردی راهکارهای عملی مؤثر در مقابله با تروریسم محیط‌زیستی ارائه می‌گردد و از طرفی مطالب و اطلاعات مورد استفاده در پژوهش، با روش کتابخانه‌ای گردآوری می‌شوند و پس از جمع‌آوری و دسته‌بندی مطالب و اطلاعات، با روش توصیفی - تحلیلی، یافته‌ها و مطالب گردآوری شده مورد تجزیه و تحلیل منطقی و حقوقی قرار گرفته و در تقویت رویکرد پژوهشگر در موضوع مربوطه، حسب مورد مبنای استناد قرار می‌گیرند.

نتایج

مفهوم‌شناسی تروریسم محیط‌زیستی بر مبنای عناصر اختصاصی

تروریسم محیط‌زیستی در درازای تاریخ زندگی بشر دارای پیشینه‌ای طولانی بوده و همواره با شیوه‌های مختلف، ارزش‌های بنیادینی چون سلامتی و زندگی انسان‌ها و همچنین صلح، نظم و امنیت جوامع بشری را در مقیاس ملی و بین‌المللی، هدف آسیب‌های گسترده و جبران‌ناپذیر قرار داده است؛ اما این پدیده جنایی از اوایل دهه ۱۹۹۰، حتی قبل از حملات تروریستی در ایالات متحده در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، به دلیل تأثیرپذیری از علوم و فناوری نوین، وضعیت خطرناکی بیشتری یافته و در نتیجه توجه عمومی، سیاسی و دانشگاهی را به خود جلب نموده است (Matthew, 2013) و در محافل علمی و سیاسی مختلف جهت توصیف جنگ‌هایی از نوع جنگ عراق علیه کویت (۱۹۹۰ میلادی) مورد استفاده قرار می‌گیرد (Seacor, 1996) و تعاریف مختلفی که از این اصطلاح ارائه می‌شود، در یک موضوع با هم مشترکند و آن این‌که در این‌گونه تروریسم، محیط زیست به صورت ابزار یا هدف مورد استفاده نابجا قرار می‌گیرد و از این طریق با هدف در اختیار گرفتن قدرت و نفوذ سیاسی، اقتصادی، مذهبی، اخلاقی و سایر مسائل بنیادین اجتماعی، در مقیاس محلی، منطقه‌ای یا جهانی، اقداماتی عمدی همراه با

یا ترکیبات غذایی یا در آب‌ها از جمله در دریای سرزمینی باشد، نیز رفتاری تروریستی به‌شمار می‌آید" (Goudarzi, Boroujerdi & Meqdadi, 2016) و به طور کلی در حقوق فرانسه، وارد کردن هر گونه مواد (اتمی، شیمیایی و میکروبی) به محیط زیست طبیعی (اعم از آب، هوا و خاک) که موجب به خطر افتادن بهداشت و سلامت انسان، حیوانات و محیط طبیعی شود و یا افزودن این‌گونه مواد به خوراک موجودات زنده (از جمله انسان) با قصد ایجاد وحشت و هراس در جامعه، به گونه‌ای که نظم عمومی را مختل نماید، رفتار تروریستی به‌حساب می‌آید و از آن‌جا که در این‌گونه از رفتارهای تروریستی، عناصر و ارزش‌های محیط‌زیستی به صورت هدف و یا به عنوان ابزار، آماج رفتارهای خشونت‌آمیز قرار می‌گیرند، تروریست محیط‌زیستی پیش می‌آید.

بر اساس مفهوم‌شناسی کلی از تروریسم که در پاره‌ای از اسناد بین‌المللی پیش‌بینی شده‌اند، مفهوم تروریسم محیط‌زیستی نیز از این‌گونه اسناد قابل استنباط بوده و موضوعیت آن در نظام بین‌المللی به عنوان "جنایت شدید دارای اهمیت بین‌المللی" مورد توجه قرار گرفته است؛ کنوانسیون ۱۹۳۷ ژنو نمونه‌ای از اسناد بین‌المللی است که تروریسم را در شمار رفتارهای مجرمانه‌ای دانسته که به منظور ایجاد وحشت در ذهن افراد خاص و یا گروهی از افراد و یا عموم مردم، مورد استفاده قرار می‌گیرد (Kargari, 2012) و از جمله ارزش‌هایی که به خاطر ایجاد وحشت، هدف اعمال مجرمانه قرار می‌گیرند، "تمامیت جسمانی" انسان‌ها است؛ با این توضیح که در اثر اعمال غیرقانونی، موجب "مرگ یا صدمه شدید بدنی" و یا به "خطر انداختن زندگی" عموم مردم می‌شود (Kargari, 2012) و هر گاه در راستای رفتارهای تروریستی، عمل غیرقانونی علیه تمامیت جسمانی افراد جامعه، از طریق هدف یا ابزار قراردادن محیط زیست طبیعی یا انسان‌ساخت صورت پذیرد، تروریسم محیط‌زیستی تحقق می‌یابد؛ بنابراین مفهوم تروریسم محیط‌زیستی از کلیت مفهوم شناسی تروریسم در کنوانسیون ۱۹۳۷ ژنو و همچنین پاره‌ای دیگر از اسناد بین‌المللی، قابل استنباط است.

جهت ارائه‌ی تعریفی جامع و مانع از تروریسم محیط‌زیستی، لازم است، کلیه عناصر اختصاصی مربوط به

تروریسم به معنای عام و همچنین عناصر اختصاصی تروریسم محیط‌زیستی، در تعاریف ارائه شده در این خصوص، استخراج شوند، با این توضیح که تروریست محیط‌زیستی، از آن جهت مورد توجه ویژه قرار می‌گیرد، که تروریست‌ها سعی می‌کنند با شیوه‌های گوناگون از جمله با بهره‌گیری از مواد سمی و خطرناک، محیط‌زیست طبیعی و انسان‌ساخت را آلوده سازند و یا با توسل به علوم و فناوری نوین، به نحوی قابلیت زیست سالم را از محیط سلب کنند و بدین ترتیب ایمنی زیستی و به دنبال آن، حیات و سلامتی انسان‌ها را با خطر جدی روبرو سازند و با توجه به وابستگی تنگاتنگ و حیاتی انسان‌ها به محیط‌زیست، در صورت دخالت دادن محیط‌زیست در عملیات تروریستی، ضمن این‌که آثار زیان‌بار آن با هیچ یک از گونه‌های دیگر تروریسم قابل مقایسه نیست، وحشت و هراس بسیار شدید و نگرانی عمیقی جامعه را فرامی‌گیرد و صلح، نظم و امنیت جامعه به‌شدت مختل می‌شود. از این رو عنصر مادی تروریسم با "رفتار خشونت‌آمیز یا تهدید به خشونت" آغاز می‌شود و منجر به هراس و وحشت گسترده در جامعه شده و موجب به سلب "صلح، نظم و امنیت" جامعه می‌گردد، لذا شرط مشترک پیشامد گونه‌های مختلف تروریسم از جمله محیط‌زیستی "رفتار خشونت‌آمیز یا تهدید به خشونت و به دنبال آن سلب صلح، نظم و امنیت" است و در تروریسم محیط‌زیستی، رفتار خشونت‌آمیز یا تهدید به خشونت، از طریق ابزار یا هدف قرار دادن "محیط زیست" ابزار می‌شود و بدین ترتیب "تمامیت جسمانی" انسان‌ها در معرض خطر قرار می‌گیرد و در نهایت موجب سلب صلح، نظم و امنیت جامعه خواهد داشت و در صورتی که در اثر هدف یا ابزار قرار دادن محیط‌زیست، ارزش‌های دیگری بجز تمامیت جسمانی انسان‌ها، در معرض آسیب قرار گیرند، در تحقق تروریسم محیط‌زیستی تردید وجود دارد.

ضرورت و بایسته‌های جرم‌انگاری در مقابله با

تروریسم محیط‌زیستی

جرم ماهیتاً رفتاری است که ارزش‌های اساسی و حائز اهمیت در یک جامعه را دستخوش تعدی و تعرض قرار می‌دهد و به همین خاطر از جانب قانونگذار مستوجب واکنش کیفری شناخته می‌شود (Marchuk, 2014) و از

الف) عاملان رفتارهای تروریستی با هدف ایجاد هراس و وحشت عمیق تر و گسترده تر در جامعه، غالباً تلاش می‌کنند گستره‌ی آسیب‌رسانی رفتارهای خود را افزایش دهند و با توجه به وابستگی گسترده و حیاتی انسان‌ها با محیط زیست، در صورت هدف یا ابزار قرار گرفتن محیط زیست در ارتکاب رفتارهای تروریستی، در بدو امر، خسارات گسترده و جبران‌ناپذیری به تمامیت جسمانی انسان‌ها وارد خواهد شد.

ب) وقتی تروریسم محیط‌زیستی با مقیاس کلان، به‌ویژه در هنگام مخاصمات مسلحانه ارتکاب می‌یابد، غالباً امکان کنترل روند اثرگذاری آن از توان بشر خارج می‌شود و در مواردی ممکن است به مثابه قانون طبیعت و به صورت قهرآمیز عمل کند و این خطر وجود دارد که مرزهای جغرافیایی را طی کند و چندین کشور را درگیر نماید؛ بارزترین نمونه‌ی تاریخی در این خصوص جنگ خلیج فارس (۱۹۹۱) است، که از یک طرف، آلودگی‌های ناشی از آتش‌سوزی چاه‌های نفتی، "آلاینده‌های اولیه هوا شامل SO₂ (دی‌اکسید گوگرد) بیشتر اکسیدهای نیتروژن، مونواکسید کربن (CO) و هیدروکربن سوخته نشده، به طور مستقیم در جو منتشر شده و آلاینده‌های ثانویه هوا شامل H₂SO₄ و HNO₃ و O₃ و نیترات‌های پراکسی اسیل (PANs) بعداً با واکنش‌های جوی که با تغییرات آلاینده‌های هوا و نور فراوان همراه است تشکیل شده‌اند" (Akbari *et al.*, 2007) و در نتیجه‌ی جریان طبیعی هوا، محیط زیست چندین کشور را در حد هشدار، آلوده به مواد سمی نمود؛ به گونه‌ای که ماهواره‌ها توانستند آلاینده‌های حاصل از سوخت مواد نفتی و گازی را از هندوستان تا مناطقی از روسیه و قسمت‌هایی از آفریقا و سواحل دریای مدیترانه ردیابی کنند و از طرف دیگر آلودگی ناشی از مواد نفتی رها شده در آب‌های خلیج فارس نیز علاوه بر سواحل کشورهای منطقه، با وجود محدودیت طبیعی در چرخش آب خلیج فارس، آلودگی‌های نفتی ایجاد شده، در آب‌های منطقه آن‌چنان پایدار، فراگیر و سیال بوده که در پاییز ۱۹۹۱ راهیابی آن‌ها به سواحل هند و خلیج بنگال گزارش شد (Mahdavi Gourabi & Aminizadeh, 2011).

ج) تروریسم محیط‌زیستی غالباً با علم و تکنولوژی روز، پیچیده‌تر می‌شود و اقداماتی که در راستای انجام عنصر مادی آن صورت می‌گیرند، جنبه‌ی علمی و تخصصی

آن‌جا که ارزش‌های مورد تعرض در جرائم ذات‌باور، در هر زمان و مکانی ذاتاً مورد احترام بوده و تعرض به آن‌ها در هر شرایطی، قبیح و ناپسند تلقی شده و مرتکب، سزاوار واکنش کیفری شناخته می‌شود (Sadeghi & Fa'al, 2018)، در صورتی که قانونگذار از سر غفلت یا به دلایل دیگر، واکنشی کیفری در مقابل مصادیق خاصی از تعرض به ارزش‌های یادشده را جرم‌انگاری ننماید، تأثیری در قباحت اجتماعی رفتار ندارد؛ از طرفی ارزش‌های اساسی مانند جان، سلامتی، صلح، نظم و امنیت جامعه که در اثر تروریسم محیط‌زیستی هدف آسیب و تعرض قرار می‌گیرند، در شمار این‌گونه ارزش‌های ذاتی محسوب شده و تعرض به آن‌ها موجب پیشامد جرایم "ذات‌باور" می‌شود؛ بنابراین بدیهی است که از هر نظام کیفری جامع، انتظار می‌رود که تروریسم محیط‌زیستی را در شمار رفتارهای جنایی حائز اهمیت، با رعایت بایسته‌های حاکم بر حقوق کیفری، جرم‌انگاری نماید و در رویارویی با آن، سیاست کیفری متناسبی را پیش‌بینی کند و با توجه به این‌که این‌گونه جرم‌انگاری در شمار جرائم علیه امنیت تلقی می‌شود، بدون تردید، مقتضیات مواجهه با جرائم امنیتی، اعم از کم و کیف واکنش کیفری، مدل دادرسی و مراجع صالح به رسیدگی، در خصوص مرتکبین جرائم مربوط به تروریسم محیط‌زیستی قابل اعمال خواهد بود.

تروریسم محیط‌زیستی در مقایسه با سایر جرایم، از جوانب مختلف حائز اهمیت بوده و به خاطر تعدد و گستردگی جوانب امر، مجموعه‌ای از رفتارهای خطرناکی را در بر می‌گیرد که کارآمدی سیاست کیفری در مقابله با این پدیده جنایی، در گرو جرم‌انگاری و اعمال واکنشی متناسب در مقابل این‌گونه رفتارهای متنوع است و به نوعی می‌توان گفت، تروریسم محیط‌زیستی فراتر از یک رفتار مجرمانه‌ی عادی بوده و نوعی ابرجنایت محسوب می‌شود، به همین خاطر مقابله قانونمند با تروریسم محیط‌زیستی، هم در حقوق داخلی و هم در حقوق بین‌الملل، سیاست جنایی ویژه‌ای را می‌طلبد و پاره‌ای از ویژگی‌های این پدیده‌ی جنایی، ضمن این‌که رغبت عاملان رفتارهای خشونت‌آمیز را در توسل به این‌گونه تروریسم برمی‌انگیزد، ضرورت دقت نظر فنی و تخصصی در اتخاذ سیاست جنایی با رویکرد پیشگیری و سرکوب را نمایان می‌سازد:

دارند و از عهده و توان افراد غیرمتخصص خارج است، به همین خاطر عملیات مقدماتی و به طور کلی عنصر مادی آن با رفتارهای قانونی و متعارف، به‌ویژه فعالیت‌های علمی مورد احترام جامعه، هم‌پوشانی پیدا می‌کنند و همچنین بین آثار زاینبار این‌گونه تروریسم با وقایع طبیعی نظیر سیل، زلزله، بیماری‌های مسری و غیره شباهت زیادی وجود دارد، به گونه‌ای که گاهی اوقات تمیز منشأ طبیعی یا انسانی (و مجرمانه) واقعیهی صورت گرفته امکان‌پذیر نخواهد بود، جز این‌که گذر زمان علت این وقایع را روشن نماید. به همین خاطر علاوه بر این‌که کشف این‌گونه جرائم و تمیز آن‌ها از وقایع طبیعی و فعالیت‌های علمی و قانونی، با پیچیدگی خاصی روبرو بوده و در این زمینه به تخصص علمی و فنی مربوط به فعالیت‌های مجرمانه نیاز است، شناسایی و دستگیری عاملان رفتارهای مجرمانه نیز با دشواری روبرو خواهد شد.

بنابراین تروریسم محیط‌زیستی به عنوان جنایتی خوفناک، مستلزم سیاست کیفری ویژه بوده و نظام تقنینی معمولی با معیارهای عمومی، قادر نخواهد بود، به صورت انفرادی و فارغ از همکاری‌های بین‌المللی، سیاست کیفری کارآمدی را در مقابله با تروریسم محیط‌زیستی رقم بزند و با رعایت اصول فنی و تخصصی حاکم بر حقوق کیفری، واکنشی متناسب در مقابل این‌گونه تروریسم پیش‌بینی نماید و نظر به این‌که در جرم‌انگاری و ابراز واکنش در مقابل رفتارهای مجرمانه، رعایت تناسب بین رفتار و واکنش، امری ضروری بوده (Bekaria, 2003) و با توجه به این‌که مبنای ارزیابی تناسب بین رفتار مجرمانه و واکنش کیفری، اهمیت ارزش‌های موضوع رفتار مجرمانه و میزان انزجار عمومی نسبت به این‌گونه رفتارها بیان می‌شود و از طرفی تروریسم محیط‌زیستی به کمک فناوری روز و آموزه‌های علمی، با توسل به ترفندهای پیچیده و غالباً تخصصی ارتکاب می‌یابد و ارزش‌های حیاتی چون صلح، نظم، امنیت و تمامیت جسمانی انسان‌ها را هدف قرار می‌دهد، سیاست کیفری و رویکرد جرم‌انگاری در مقابله با رفتارهای مربوط به تروریسم محیط‌زیستی، باید با لحاظ آموزه‌های فنی و تخصصی و بر مبنای علوم و فناوری روز صورت پذیرد، تا اینکه با لحاظ ویژگی‌های بنیادی واکنش‌ها (Ardabili, volume 3, 1393, p. 37) و تأمین اهداف مورد انتظار سیاست کیفری

داند و از عهده و توان افراد غیرمتخصص خارج است، به همین خاطر عملیات مقدماتی و به طور کلی عنصر مادی آن با رفتارهای قانونی و متعارف، به‌ویژه فعالیت‌های علمی مورد احترام جامعه، هم‌پوشانی پیدا می‌کنند و همچنین بین آثار زاینبار این‌گونه تروریسم با وقایع طبیعی نظیر سیل، زلزله، بیماری‌های مسری و غیره شباهت زیادی وجود دارد، به گونه‌ای که گاهی اوقات تمیز منشأ طبیعی یا انسانی (و مجرمانه) واقعیهی صورت گرفته امکان‌پذیر نخواهد بود، جز این‌که گذر زمان علت این وقایع را روشن نماید. به همین خاطر علاوه بر این‌که کشف این‌گونه جرائم و تمیز آن‌ها از وقایع طبیعی و فعالیت‌های علمی و قانونی، با پیچیدگی خاصی روبرو بوده و در این زمینه به تخصص علمی و فنی مربوط به فعالیت‌های مجرمانه نیاز است، شناسایی و دستگیری عاملان رفتارهای مجرمانه نیز با دشواری روبرو خواهد شد.

بنابراین تروریسم محیط‌زیستی به عنوان جنایتی خوفناک، مستلزم سیاست کیفری ویژه بوده و نظام تقنینی معمولی با معیارهای عمومی، قادر نخواهد بود، به صورت انفرادی و فارغ از همکاری‌های بین‌المللی، سیاست کیفری کارآمدی را در مقابله با تروریسم محیط‌زیستی رقم بزند و با رعایت اصول فنی و تخصصی حاکم بر حقوق کیفری، واکنشی متناسب در مقابل این‌گونه تروریسم پیش‌بینی نماید و نظر به این‌که در جرم‌انگاری و ابراز واکنش در مقابل رفتارهای مجرمانه، رعایت تناسب بین رفتار و واکنش، امری ضروری بوده (Bekaria, 2003) و با توجه به این‌که مبنای ارزیابی تناسب بین رفتار مجرمانه و واکنش کیفری، اهمیت ارزش‌های موضوع رفتار مجرمانه و میزان انزجار عمومی نسبت به این‌گونه رفتارها بیان می‌شود و از طرفی تروریسم محیط‌زیستی به کمک فناوری روز و آموزه‌های علمی، با توسل به ترفندهای پیچیده و غالباً تخصصی ارتکاب می‌یابد و ارزش‌های حیاتی چون صلح، نظم، امنیت و تمامیت جسمانی انسان‌ها را هدف قرار می‌دهد، سیاست کیفری و رویکرد جرم‌انگاری در مقابله با رفتارهای مربوط به تروریسم محیط‌زیستی، باید با لحاظ آموزه‌های فنی و تخصصی و بر مبنای علوم و فناوری روز صورت پذیرد، تا اینکه با لحاظ ویژگی‌های بنیادی واکنش‌ها (Ardabili, volume 3, 1393, p. 37) و تأمین اهداف مورد انتظار سیاست کیفری

آسیب شناسی مقابله کیفری با تروریسم محیط‌زیستی

مقوله‌ی تروریسم برای جامعه‌ی جهانی یک مسأله‌ی مهم امنیتی محسوب شده و مقابله با آن در دستور کار تمامی اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای مربوط به تروریسم قرار گرفته است و در دهه‌های اخیر، دولت‌ها در تدوین سیاست جنایی جامع در مقابله با این پدیده‌ی جنایی سعی بسیار داشته‌اند (Saffari & Ismaili, 2013). از این رو یکی از قانونمندترین راهکارهای مبارزه، جرم‌انگاری است، اما علاوه بر این‌که عوامل و موانع گوناگونی، موجب اختلال در روند جرم‌انگاری رفتارهای مربوط به گونه‌های مختلف تروریسم از جمله تروریسم محیط‌زیستی و ابراز واکنش در مقابل آن‌ها، بر اساس موازین حقوق کیفری می‌شوند، پاره‌ای از عوامل اختصاصی نیز جرم‌انگاری رفتارهای مربوط به تروریسم محیط‌زیستی را دشوارتر می‌سازند. با این توضیح که تروریسم محیط‌زیستی واجد شرایط و ویژگی‌هایی است، که موجب می‌شوند این پدیده‌ی جنایی از موازین و معیارهای حاکم بر یک رفتار مجرمانه‌ی معمولی فاصله بگیرد و سیاست کیفری ویژه و

مجرمانه‌ی اصلی و پیشامد آثار و تبعات زیانبار گسترده و جبران‌ناپذیر این رفتارها، حسب مورد، عملیات مقدماتی پرشماری به عنوان جرائم مانع، جرم‌انگاری شوند و این امر ضمن اینکه نوعی دقت نظر وسواس‌گونه‌ای جهت انسجام و جامعیت سیستم جرم‌انگاری رفتارهای مجرمانه را می‌طلبد، حقوق کیفری را با نوعی تورم شدید مواجه خواهد کرد و از طرفی این روند موجب نوعی پارادکس خواهد شد با این توضیح که تورم کیفری ضمن اینکه به نوبه‌ی خود آسیبی جدی بوده و خطر نقض حقوق و آزادی افراد جامعه را به دنبال خواهد داشت، جهت تکمیل خلاءهای قانونی و انسجام حقوق کیفری در مقابله با تروریسم محیط‌زیستی، امری ضروری به نظر می‌رسد.

ت) تناقض در مفاهیم مرتبط: ارزش‌هایی که در تروریسم محیط‌زیستی آماج آسیب قرار می‌گیرند، گاهی به لحاظ کمی و کیفی آن چنان گسترده و مهم هستند، که ممکن است سرنوشت حیاتی یک نسلی را دستخوش تهدید و خطر سازند و یا حتی سلامت و بهداشت جامعه جهانی را هدف آسیب جدی قرار دهند، بر همین اساس جهت جرم‌انگاری و اعمال واکنش کیفری متناسب با حالت خطرناکی مرتکبان تروریسم محیط‌زیستی، با لحاظ نوع و گستره‌ی ارزش‌هایی که مورد تعرض قرار می‌گیرند و با رعایت اصول حاکم بر حقوق کیفری و موازین عدالت کیفری، همراه با تأمین اهداف مجازات‌ها، نیاز به بررسی تخصصی ویژه داشته و در این راستا، رویارویی با تناقضات امری گریزناپذیر به نظر می‌رسد؛ با این توضیح که توجه به حقوق و آزادی افراد از جمله موارد حائز اهمیت در حقوق کیفری است، اما در مقابل، نگرانی ناشی از تجسم آثار و تبعات گسترده و جبران‌ناپذیر تروریسم محیط‌زیستی و اهمیت ارزش‌های موضوع این پدیده جنایی، حقوق کیفری را به سوی امنیتی شدن سوق می‌دهد و این امر ممکن است حقوق و آزادی‌های افراد جامعه را مورد تعرض و آسیب قرار دهد.

ث) تردید در تأثیر و کارآمدی واکنش کیفری: گستره و نوع آثار زیانبار رفتار در این‌گونه تروریسم، آن چنان سهمگین و گسترده است، که ممکن است با سرنوشت موجودیت نسلی، قومی یا جامعه‌ای گره بخورد. به همین خاطر واکنش در مقابل تروریسم محیط‌زیستی، تفکری

متناسبی را طلب کند و این ویژگی‌ها و شرایط، زمینه‌ای را فراهم می‌کنند، که نه تنها اهداف مورد انتظار مجازات‌ها تأمین نمی‌شود، بلکه موجب عدم رعایت اصول فنی حقوق کیفری خواهند شد، بر همین اساس و جهت تبیین موضوع، پاره‌ای از آثار ویژگی‌های تروریسم محیط‌زیستی که بر روند جرم‌انگاری و ابراز واکنش در مقابل این گونه از تروریسم اثر می‌گذارند، مورد اشاره قرار می‌گیرند:

الف) عدم جامعیت قوانین کیفری: ابهام در مفهوم‌شناسی تروریسم محیط‌زیستی و اختلاف نظر در این خصوص از جامعیت جرم‌انگاری در مبارزه با این پدیده جنایی می‌کاهد، به گونه‌ای که قوانین کیفری وجهی حداقلی می‌یابند و سکوت قانون و نقض قانونگذاری در مقابل تنوع رفتارها، امری حتمی خواهد بود.

ب) امنیتی شدن حقوق کیفری: آثار و تبعات تروریسم محیط‌زیستی آنچنان برای جامعه‌ی جهانی وحشت‌آفرین است، که دولت‌ها را وادار می‌کند تا به صورت ناخواسته، در واکنش کیفری به این‌گونه تروریسم، با وسواسی خاص عمل نموده و با محور قرار دادن امنیت و با رویکرد جرم‌انگاری امنیت مدار، جوانب مختلف تروریسم محیط‌زیستی را مستوجب واکنش کیفری اعلام نمایند و بدون تردید این رویکرد ناخواسته در جرم‌انگاری، موجب امنیتی شدن قوانین کیفری شده (Saffari & Ismaili, 2013) و آسیب‌هایی را دنبال خواهند داشت؛ از جمله این‌که جامعه به سمت شرایط پلیسی سوق داده شده و در نتیجه حقوق و آزادی افراد به خطر می‌افتد، عنصر قانونی جرائم دچار تفسیر موسع می‌شوند، استبداد قضایی حاکمیت می‌یابد، اصل شفافیت گسترده‌ی فراگیری قوانین کیفری اهمیت خود را از دست می‌دهد و ابهامات قوانین کیفری به تفسیر به زیان متهم ختم می‌شوند.

پ) تورم در قوانین کیفری: مقوله‌ی تروریسم محیط‌زیستی، آبستن رفتارهای خطرساز متعدد و متنوعی است که ارزش‌های بنیادی متعددی را هدف قرار می‌دهند و جرم‌انگاری این‌گونه رفتارها همراه با رعایت اصول و قواعد حقوق کیفری در یک نظام کیفری منسجم، نشانه‌ی کمال آن نظام بوده و جدیت این‌گونه تروریسم ایجاب می‌کند، که جهت پیشگیری از رفتارهای

ح) ابهام در تعیین مصادیق مجرمانه: همان‌گونه که مورد اشاره قرار گرفت، اصطلاح تروریسم محیط‌زیستی با وجود قدمت آن در درازای تاریخ بشر، به عنوان یک اصطلاح تخصصی در علوم سیاسی و حقوق کیفری، از پیشینه‌ی چندانی برخوردار نیست و به عقیده برخی پژوهشگران، کاربرد این اصطلاح به حمله‌ی ارتش عراق به کشور کویت (۱۹۹۱) بازمی‌گردد (Schwartz, 1998) که در آن حمله در اثر آتش‌سوزی چاه‌های نفت کویت و رها شدن حجم عظیمی از مواد نفتی به آب‌های خلیج فارس فاجعه‌ی محیط‌زیستی اتفاق افتاد. با این وجود و با توجه به ابهام حاکم بر مفهوم‌شناسی تروریسم، نباید انتظار داشت که در حقوق کیفری داخلی و بین‌المللی، رفتاری مشخص، با عناصری جامع، به عنوان تروریسم محیط‌زیستی جرم‌انگاری شده و واکنش کیفری متناسب برای آن پیش‌بینی شده باشد.

ارتباط تروریسم محیط‌زیستی و افساد فی الارض در آموزه‌های فقهی

از نظر فقها "صلاح زمین به این است که برای زندگی انسان مناسب بوده و به دور از هر گونه تباهی باشد و فساد آن به این است که صلاحیت و مناسبت او برای زندگی از بین برود" (Hashemi Shahroudi, 1997) و در آموزه‌های فقهی، صیانت از سلامت زمین، به اعتبار محل زندگی انسان‌ها، در قالب نهاد افساد فی الارض، مورد توجه فقها قرار گرفته و در ترکیب اصطلاحی و پیشینه‌ی فقهی افساد فی الارض، زمین (ارض) از آن جهت اهمیت می‌یابد که محل استقرار انسان است، به گونه‌ای که بتواند در آن زندگی و آسایش داشته باشد و در صورتی که فساد و جرم به نحوی گسترش یابد و یا تکرار شود، که قابلیت زیست و آسایش در آن از انسان سلب شود، در این حالت گفته می‌شود که زمین فاسد شده است (Vatani & Farhoud, 2019) و تقیید "افساد" به "فی الارض" برای دلالت بر این معناست که در اثر افساد فی الارض "فساد در زمین حلول می‌کند و زمین فاسد می‌شود" بدان معنا که آن حالت اصلاح و سامانی که در زمین است تباه شود و فساد آن به این است که صلاحیت و مناسبت او برای زندگی از میان برود (Mohammadzadeh et al., 2020).

عمیق و تأملی جدی به جوانب موضوع می‌طلبید. گاهی با وجود این که مرتکب دستگیر و مورد محاکمه قرار گرفته، تحمیل سنگین‌ترین مجازات بر فردی که محیط‌زیست طبیعی و انسان‌ساخت را به طور گسترده با مواد سمی آلوده ساخته و از این طریق مرگ حتمی تعداد پرشماری از افراد جامعه را رقم زده و چه بسا که بهداشت و سلامتی نسل‌های آینده را نیز با خطر جدی روبرو ساخته، امری عبث به نظر رسیده، از آن جهت که در شرایط موصوف هیچ‌یک از اهداف مورد انتظار مجازات‌ها، عاید فرد مرتکب و جامعه نخواهد شد و در چنین شرایطی، امکان رعایت تناسب بین ارزش‌های قربانی‌شده و مجازات تحمیل‌شده از نظام قانونگذاری و قضایی سلب خواهد شد.

ج) عدم امکان مشارکت بین‌المللی: همان‌گونه که مورد اشاره قرار گرفت، با توجه به سهولت در گذر زیانبار تروریسم محیط‌زیستی از مرزهای سیاسی و درگیر کردن سایر کشورها، اتخاذ سیاست کیفری منسجم و کارآمد، مستلزم همکاری کشورها در سطح جهانی یا منطقه‌ای است و از آن‌جا که مقوله تروریسم وجهه‌ی سیاسی یافته و در تعیین مفهوم، مصادیق و گستره‌ی فراگیری تروریسم، بین دولت‌ها و خط مشی‌های سیاسی مختلف، اختلاف‌نظرها و ابهامات اساسی وجود دارد، همکاری و مشارکت دولت‌ها در مقابله کیفری با تروریسم محیط‌زیستی و دستیابی به سیاست کیفری قابل قبول، امری دشوار و پیچیده‌ای خواهد بود.

چ) موانع مرتبط با کشف جرم و تعقیب متهم: عملیات مقدماتی تروریسم محیط‌زیستی، حتی تا مرحله‌ی اتمام عنصر مادی، با رفتارهای موجه و گاهی با فعالیت‌های علمی شایسته احترام، هم‌پوشانی داشته و به همین خاطر مرتکبین اینگونه تروریسم، به سهولت اقدامات خود را بدون اینکه کشف شوند، تا مرحله‌ی پایانی پیش می‌برند و به نتیجه‌ی مطلوب دست می‌یابند و امکان کشف چنین رفتاری، بسیار دشوار و گاهی نوعاً ناممکن است و حتی گاهی اوقات با وجود پیشامد نتیجه‌ی رفتار مجرمانه و آثار زیانبار گسترده، کشف رابطه علیت بین رفتار مرتکب و نتیجه‌ی حاصله و همچنین تمییز بیماری‌های طبیعی و ناشی از اقدامات تروریستی، امری تخصصی بوده و به سهولت امکان‌پذیر نخواهد بود.

رویه مورد نظر در آموزه‌های فقهی، مجموعه‌ای از رفتارهای مجرمانه را با شرایط خاص، به عنوان افساد فی‌الارض تعیین نماید و "عمده دلیل تأیید ماده‌ی ۲۸۶ ق.م.ا از جانب شورای نگهبان، رویکرد مصداق‌گرایی و انحصار مصادیق مجرمانه افسادفی‌الارض در این مستند قانونی است" (Rahbarpour & Nourmohammadi, 2018) از نظر برخی حقوقدانان، افسادفی‌الارض "به معنای انجام هر عمل حرامی که شارع آن را ممنوع کرده، نیست" و اختلال نظام اجتماعی را تا حد از بین رفتن ثبات و قرار شهروندان، در تحقق آن شرط می‌دانند (Borhani, 2015) و حتی برخی از فقها نیز بر ضرورت تحدید و تعیین گستره‌ی افسادفی‌الارض با عناصر اختصاصی مشخص و متناسب با معیارهای حقوق کیفری مدرن صحه گذاشته و در همین راستا بر خصوصیت "صلاحیت و مناسبت زمین برای زندگی" به عنوان یکی از عناصر اختصاصی افسادفی‌الارض تأکید نموده‌اند (Hashemi Shahroudi, 1999)؛ اما با این وجود، برخی دیگر از حقوقدانان، با لحاظ ریشه فقهی موضوع، در مقام تعریف، با عباراتی عام و کلی ابراز داشته‌اند: "هر فعل یا ترک فعلی که جنبه‌ی افراط و خروج از حد معمول و متعارف داشته باشد و اثرات و پیامدهای سوء فردی و اجتماعی و فرهنگی ببار آورد و موجب اخلاص شدید و یا خسارات عمده گردد افسادفی‌الارض محسوب می‌شود" (Majehid et al., 2020)، اما این‌گونه تعاریف نه تنها در روشن شدن موضوع بی‌تأثیر است، بلکه با عباراتی کلی نظیر "هر فعل یا ترک فعل"، "خروج از حد معمول و متعارف" و غیره بر ابهام آن می‌افزاید، با این وجود در کلیت تعاریف ارائه شده از افسادفی‌الارض، عناصر اختصاصی تروریسم محیط‌زیستی نیز قابل ردیابی است؛ به‌ویژه این‌که در تعریف دیگری از افسادفی‌الارض بیان شده است: "اقدام به عملی که موجب نابودی انسان‌ها و یا اموال مردم یا غارت آن‌ها و یا اقدام به عملی که موجب ایجاد فتنه و تفرقه و آشوب در میان افراد و یا اقدام به عملی که موجب گسترش فساد و انحراف اخلاقی عده‌ای از مردم به هر نحو از انحاء گردد" (Galdost Goybari, 2008). آنچه در این تعریف منظور نظر است این‌که "عملی که موجب نابودی (تمامیت جسمانی) انسان‌ها" شود، در گستره‌ی تروریسم محیط‌زیستی قرار می‌گیرد.

افسادفی‌الارض یک عنوان بسیار کلی بوده و هر مفسده‌ای که مصالح پنجگانه‌ی منصوص بشری (دین، نفس، عقل، نسل و مال مردم) را به طور گسترده دچار تعرض یا خطر کند و موجب برهم خوردن نظم و اعتدال جامعه‌ی اسلامی شود، از نظر فقها افسادفی‌الارض رخ می‌دهد (Nanakar, 1998) و از طرفی عناصر و ارکان آن نیز از آفت ابهام و کلیت مصون نیستند و به خاطر گستردگی معنایی "فساد" مورد نظر در این نهاد فقهی، نظر مشهور فقها بر آن است که افساد فی‌الارض، مانند ظلم و طغیان فی‌الارض یک مفهوم کلی و عامی است که رفتارهای غیر اخلاقی متعددی را در بر می‌گیرد و با وجود این‌که از نگاه وجدان عمومی حاکم بر جامعه، ناپسند و قبیح بوده است، فقها این نهاد فقهی را مشمول حکم جزایی خاصی نمی‌دانند، بلکه آن را تنها علت موجهه در ثبوت مجازات تلقی می‌کنند (Marashi, 1991)؛ شاید به همین خاطر است که گفته می‌شود: "عنوان افسادفی‌الارض در حکم جنس است و مقنن باید از طریق تعیین مصادیق آن، عنوان کلی افساد فی‌الارض را بر مصادیق جزئی آن منطبق سازد" (Habibzadeh, 2000) و بدین ترتیب صور مختلف و متعدد آن، می‌توانند مشمول احکام جزایی جداگانه و مستقلی قرار گیرند (Modaresi Yazdi, 2008; Marashi, 1991) و همین رویکرد مصداق‌گرایی در آموزه‌های فقهی، شورای نگهبان را بر آن داشت، ضمن اعلام مخالفت نسبت به اقدام قانونگذار در تعریف مفسدفی‌الارض، در ماده‌ی ۲۰۱ قانون حدود و قصاص مصوب ۱۳۶۱/۷/۲۰ کمیسیون قضایی مجلس، اظهارنظر نمود که: "ماده‌ی ۲۰۱ حذف شود و مصادیق لازم را به عنوان موادی صریحاً ذکر نمایند، از قبیل تشکیل مراکز فساد و عشرتکده و امثال آن از تهیه و فروش مواد مخدر که موجب فساد جامعه می‌شود" و قانونگذار به تبعیت از نظر شورای نگهبان، بدون این‌که تعریفی از افسادفی‌الارض ارائه نماید و یا عناصر اختصاصی آن را از دیدگاه حقوقی مشخص کند، مصادیقی از این نهاد فقهی را وارد نظام کیفری ایران نمود و در متون قانونی متعددی رفتارهای مجرمانه‌ی مختلفی را در شمار مصادیق افسادفی‌الارض اعلام کرد و این‌گونه رفتارها را مستوجب مجازات‌های سنگینی قرار داد و با همین رویکرد در سال ۱۳۹۲ در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی، سعی نمود با پیروی از

بنابراین می‌توان گفت بخش اعظم رفتارهای مربوط به تروریسم محیط‌زیستی در شمار مصادیق افساد فی‌الارض به مفهوم فقهی آن قرار می‌گیرند و در نتیجه رابطه‌ی این دو نهاد جنایی عموم و خصوص من‌وجه است، با این توضیح که به دلیل اشتراک پاره‌ای از شرایط و عناصر اختصاصی افساد فی‌الارض و تروریسم محیط‌زیستی، برخی از رفتارهای خشونت‌آمیز در گستره‌ی فراگیری هر دو عنوان جنایی جای می‌گیرند و در عین حال پاره‌ای دیگر از رفتارهای مستوجب واکنش کیفری، تنها در شمار مصادیق یکی از عناوین جنایی مورد بحث شناخته می‌شوند.

سازوکار جرم‌انگاری تروریسم محیط‌زیستی در نظام کیفری ایران

با وجود این که در نظام کیفری ایران، تروریسم محیط‌زیستی به عنوان یک رفتار جنایی مستقل همراه با شرایط و عناصر اختصاصی مشخص جرم‌انگاری نشده است، ارزش‌هایی که در اثر تروریسم محیط‌زیستی مورد تعرض قرار می‌گیرند، وصف ذاتی داشته و تعرض به آن‌ها به خودی خود مشمول عناوین مجرمانه‌ی ذات‌باور بوده و سکوت قانونگذار در جرم‌انگاری اختصاصی تروریسم محیط‌زیستی، بدین معنا نیست که تعرض عامدانه و عالمانه به ارزش‌های ذاتی موضوع این پدیده جنایی، مشمول مقررات کیفری قرار نگرفته و مرتکب مستوجب مجازات شناخته نشود، زیرا چنین شرایطی از نگاه حقوق کیفری، نوعی نقض غرض خواهد بود و قابل پذیرش نیست که رفتاری همراه با سؤنیت و با آثار و تبعات جانی و سلامتی گسترده، صلح، نظم و امنیت جامعه را در حد کلان و در سطح ملی و بین‌المللی هدف قرار دهد، اما بدون واکنش کیفری باقی بماند؛ بر این اساس به دلیل سنخیت عناصر و شرایط اختصاصی تروریسم محیط‌زیستی با افساد فی‌الارض، بخش اعظم رفتارهای مربوط به اینگونه تروریسم، با عنوان جنایی افساد فی‌الارض و بر اساس ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قابل تعقیب کیفری خواهند بود و از فحوای نص قانونی مورد اشاره، قیود و مواردی استنباط می‌شود، که فرضیه‌ی قرار گرفتن تروریسم محیط‌زیستی در شمار

مصادیقی از افساد فی‌الارض موضوع ماده ۲۸۶ را تقویت کرده و در اینجا به پاره‌ای از آن‌ها پرداخته می‌شود: الف) تروریسم محیط‌زیستی از رهگذر ورود آسیب و یا با ایجاد خطر برای حیات یا سلامتی انسان‌ها با شیوه‌ی خاص و غالباً با دامنه‌ی گسترده، پیش می‌آید و لذا "تمامیت جسمانی افراد" به عنوان موضوع اولیه و مستقیم اینگونه تروریسم، نخستین ارزشی است که دستخوش آسیب قرار می‌گیرد و از طرف دیگر با توجه به مفاد ماده‌ی ۲۸۶، "تمامیت جسمانی افراد" یکی از ارزش‌های مهمی است که در شمار موضوعات افساد فی‌الارض به مفهوم مطروحه در ماده‌ی مورد بحث قرار می‌گیرد؛ بنابراین "تمامیت جسمانی" ارزش مشترکی است که از یک طرف موضوع مستقیم و اولیه‌ی تروریسم محیط‌زیستی محسوب می‌شود و از طرف دیگر در شمار یکی از ارزش‌های موضوع افساد فی‌الارض قرار می‌گیرد؛ به‌علاوه اینکه در ماده‌ی قانونی مورد بحث، شیوه‌ی ارتکاب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، به صورت مطلق بیان شده و مقید به ابزار یا شیوه‌ی خاصی نشده است و لذا بر اساس فحوای قانون، هر گونه اقدام گسترده علیه تمامیت جسمانی افراد و توسل به هر شیوه‌ای که موجب ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد جامعه شود، افساد فی‌الارض موضوع ماده ۲۸۶ تحقق می‌یابد، از طرفی اگر نحوه‌ی اقدام گسترده علیه تمامیت جسمانی افراد، به شیوه‌هایی از قبیل آلوده ساختن محیط زیست طبیعی و انسان‌ساخت، به مواد سمی، میکروبی و خطرناک یا استفاده‌ی نابجا از قهر طبیعت و غیره و به طور کلی با هدف یا ابزار قرار دادن محیط زیست، صورت پذیرد، علاوه بر تحقق افساد فی‌الارض، در صورت وجود سایر شرایط لازم، تروریسم محیط‌زیستی نیز پیش می‌آید.

ب) از جمله ارزش‌هایی که در ماده‌ی ۲۸۶ در شمار موضوعات افساد فی‌الارض محسوب می‌شوند، "نظم عمومی و امنیت داخلی و خارجی کشور" است و قانونگذار، اقدامات مجرمانه‌ی گسترده‌ی منجر به "ناامنی یا اخلاص شدید در نظم عمومی کشور" را افساد فی‌الارض دانسته است، در مقابل، به شرح پیشین، تروریسم محیط‌زیستی نیز در شمار جرائم علیه صلح، نظم و امنیت داخلی و خارجی کشور محسوب می‌شود، لذا ارزش‌های مورد اشاره، در شمار موضوعات هر دو جنایت تروریسم

تروریسم محیط‌زیستی نیز در کنار افساد فی الارض و همپوشان با آن پیش می‌آید.

به عقیده پژوهشگران "شناخت مفسد و نتایج حاصل از جرم که موجب تحقق "افساد" در معنای خاص کلمه است، یک امر تخصصی بوده و در زمره امور موضوعی دانش حقوق قرار نمی‌گیرد که قاضی دادگاه بتواند وارد ارزیابی آن شود، بلکه احراز موضوع و سنجش میزان و آثار فساد در نتیجه عمل مرتکب و رابطه‌ی استنادی بین فعل مرتکب و نتایج حاصله، امری کاملاً تخصصی و در حوزه صلاحیت اهل خبره و کارشناسان متخصص است" (Borhani & Ahmadzadeh, 2018).

با وجود این که بخش اعظم مصادیق تروریسم محیط‌زیستی، در گستره‌ی افساد فی الارض و همچنین ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات قرار می‌گیرند؛ اما پاره‌ای از مصادیق این پدیده جنایی، در گستره‌ی افساد فی الارض به مفهوم موضوع ماده‌ی ۲۸۶ جای نمی‌گیرند و از شمول این ماده قانونی خارجند؛ با این توضیح که با توجه به صدر ماده‌ی مورد بحث، شرط اساسی در پیشامد افساد فی الارض، گستردگی در رفتار ارتكابی، همراه با تعدد قربانیان مستقیم است و به اقتضای تفسیر به نفع متهم در مقام تردید، رفتارهایی که قربانی واحد یا محدود داشته باشند، در شمار مصادیق افساد فی الارض قرار نمی‌گیرند؛ در مقابل، در تروریسم محیط‌زیستی، تعداد قربانی و این که چه تعداد از افراد جامعه، با خطر جانی یا سلامتی روبرو شوند، تأثیری در موضوع ندارد. بنابراین در نتیجه‌ی بررسی مقررات کیفری داخلی، هر گاه از طریق هدف یا ابزار قرار دادن محیط‌زیست، علیه تمامیت جسمانی شخصیت‌های تأثیرگذار در جامعه، تعرضی یا سوءقصدی صورت پذیرد و عمل ارتكابی منجر به سلب صلح، نظم و امنیت جامعه گردد، در صورت تحقق شرایط لازم، مرتکب بر اساس ماده ۵۱۵ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵ قابل تعقیب خواهد بود؛ در غیر این صورت، با وجود این که رفتار ارتكابی، ماهیتاً اقدام علیه امنیت جامعه محسوب می‌شود.

الگوی مقابله با تروریسم محیط‌زیستی در نظام کیفری بین‌المللی

مبارزه با مقوله تروریسم در حقوق بین‌الملل، با هدف حمایت از منافع عمومی و جهانی به‌ویژه صلح، نظم و

محیط‌زیستی و افساد فی الارض قرار می‌گیرند، با این توضیح که هر گاه شیوه‌ی عمل همراه با هدف یا ابزار قرار دادن محیط‌زیست و منجر به آسیب به تمامیت جسمانی مردم شود و از این طریق نظم و امنیت جامعه سلب شود، رفتار ارتكابی علاوه بر این که در گستره‌ی تروریسم محیط‌زیستی قرار می‌گیرد، از مصادیق افساد فی الارض نیز محسوب می‌شود.

مطلب دیگر این که "تهدید به رفتارهای خشونت‌آمیز" به عنوان یکی از رفتارهای بارز تروریستی، به‌ویژه گونه‌ی محیط‌زیستی آن، از جمله اقدامات متداول و مؤثر در سلب صلح، نظم و امنیت محسوب می‌شود، لذا در صورتی که تروریست‌ها، به طور گسترده تهدید به اقدام علیه تمامیت جسمانی افراد، از طریق هدف یا ابزار قرار دادن محیط زیست نمایند، اینگونه تهدید، با توجه به اطلاق عبارت "جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور"، ضمن اینکه تروریسم محیط‌زیستی پیش می‌آید؛ به عنوان مصادیقی از افساد فی الارض نیز به شمار می‌آید.

پ) احراق و یا آتش‌سوزی ممکن است در حدی گسترش یابد که موجب آلودگی محیط‌زیست و یا از بین رفتن جنگل‌ها و مراتع شود و بدین ترتیب ایمنی زیستی مختل شود، در نتیجه سلامتی و حیات انسان‌ها با خطر مواجه گردد و به خاطر گسترش هراس و وحشت، صلح، نظم و امنیت از جامعه سلب شود، در این صورت رفتار ارتكابی، علاوه بر اینکه در شمار مصادیق افساد فی الارض محسوب می‌شود، پیشامد تروریسم محیط‌زیستی نیز متصور است.

ت) با توجه به اطلاق عبارت "تخریب" در ماده‌ی ۲۸۶، به نظر می‌رسد تخریب به هر شیوه‌ای ممکن است تحقق یابد و آن چه مورد تخریب قرار می‌گیرد، هر موضوعی اعم از اموال عمومی و خصوصی، جنگل‌ها، مراتع، سدها، آب انبارها و غیره را شامل می‌شود، اما در صورتی تخریب از مصادیق افساد فی الارض محسوب می‌شود، که گستردگی آثار ناشی از آن، در حدی باشد که قابلیت زیست سالم و متعارف را از زمین (منطقه‌ی وقوع رفتار مجرمانه) سلب نماید و هرگاه در اثر تخریب جنگل‌ها و مراتع و یا سدها و آب‌انبارها، قابلیت زیست از محیط سلب شود و سلامتی و حیات انسان‌ها را با خطر جدی روبرو سازد، به گونه‌ای که منجر به سلب صلح، نظم و امنیت جامعه شود،

کنوانسیون‌های بین‌المللی که در مقام اعلام ممنوعیت تروریسم و در ابتدای امر به منظور مفهوم‌شناسی، عباراتی کلی، نظیر هر گونه عمل غیر قانونی که موجب "مرگ یا صدمه شدید بدنی"، "به خطر انداختن زندگی مردم" شود یا "اقدام علیه زندگی و سلامت جسمانی اشخاص" و غیره را در شمار معیارهای مفهوم‌شناسی تروریسم قرار داده‌اند، تروریسم محیط‌زیستی نیز در گستره‌ی این قبیل کنوانسیون‌ها واجد وصف کیفری شناخته می‌شود.

آلودگی‌های کلان محیط‌زیستی نظیر چرنوبیل و غیره غالباً مرزگذر بوده و از طریق رودخانه‌ها و هوا تا دورترین نقاط از منشأ خود راه می‌یابند و بیماری‌های همه‌گیر ناشی از آلودگی تروریستی، می‌توانند بیشتر کشورها را گرفتار کنند، به همین خاطر حل مشکلات و فجایع محیط‌زیستی از عهده و توان تقنینی یک کشور به صورت انفرادی خارج است و در این خصوص همت همکاری بین‌المللی را می‌طلبد به نحوی که بدون مشارکت بین‌المللی مقابله با تروریسم محیط‌زیستی بی‌نتیجه خواهد ماند. اصل همکاری بین‌المللی در حمایت از محیط زیست، در شمار تعهدات عرفی حائز اهمیت تلقی می‌شود که در سطوح جهانی و منطقه‌ای کاربرد دارد، به گونه‌ای که در منشور سازمان ملل متحد ۱۹۴۵ به آن پرداخته شده است (Pourhashmi *et al.*, 2013). از این رو، اصل هفتم اعلامیه ریو ۱۹۹۲ تصریح نموده است که "دولت‌ها باید برای حفاظت و برقرار نمودن سلامت و جامعیت اکوسیستم زمین با روحیه‌ای مبتنی بر مشارکت با یکدیگر همکاری نمایند". همچنین بند A از ماده ۹ کنوانسیون منطقه‌ای کویت برای همکاری درباره حمایت و توسعه محیط زیست دریایی و نواحی ساحلی در برابر آلودگی ۱۹۷۸، به همکاری اضطراری در راستای کنترل آلودگی محیط‌زیستی در منطقه‌ی دریایی، صرف نظر از منشأ و علت آن، اعم از اینکه علت آلودگی، رفتارهای تروریستی باشد یا غیر آن، صرفاً جهت جلوگیری از گسترش آلودگی و تخریب محیط زیست تأکید نموده است و در بند A از ماده ۱۰ کنوانسیون در خصوص نوع همکاری مؤثر تصریح شده است که "دولت‌های متعاقد مستقیماً یا در صورت لزوم از طریق سازمان‌های ذیصلاح بین‌المللی در زمینه‌ی تحقیقات علمی، کنترل و ارزیابی مربوط به آلودگی در منطقه‌ی دریایی همکاری خواهند نمود و اطلاعات حاصله

امنیت جامعه‌ی بشری بر مبنای نظریه ضمانت مشترک و امنیت جمعی و یا حمایت دولت‌ها از امنیت شهروندان خود استوار است که به شیوه‌های مختلف اعم از نبرد مسلحانه و غیره تجلی می‌یابد (Taibi & Porfashmi, 2017)، اما لازمه نظم جهانی و پرهیز از تنش‌های بین‌المللی، مقابله‌ی قانونمند با چهره‌های گوناگون تروریسم، از جمله گونه‌ی محیط‌زیستی آن در قالب سیاست کیفری جامع و کارآمد، همراه با مشارکت و همکاری بین‌المللی می‌باشد، از این رو در نظام کیفری بین‌المللی، در کنار مفهوم "جنایات بین‌المللی"، مورد اشاره در ماده ۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، مفهوم دیگری با عنوان "جنایات شدید دارای اهمیت بین‌المللی" نیز توجه پژوهشگران را به خود جلب نموده است و این دسته از جنایات، پیرو تعهدات و تکالیف دولت‌ها، براساس پاره‌ای از کنوانسیون‌های بین‌المللی، مبنی بر جرم‌انگاری رفتارهای مجرمانه‌ی حائز اهمیت بین‌المللی، در چارچوب قوانین کیفری ملی، قابل ردیابی هستند (Abdulahi, 2010) و با توجه به این‌که تعهد اصلی مقرر در معاهدات بین‌المللی ضدتروریسم، جرم‌انگاری رفتارهای تروریستی موضوع آن معاهدات در مقررات کیفری داخلی و مجازات‌پذیر کردن آن رفتارها، متناسب با حالت خطرناکی مرتکب است (Mozzami & Namamian, 2016) به نظر می‌رسد، جرائم تروریستی از جمله تروریسم محیط‌زیستی، با وجود عدم پیش‌بینی آن‌ها در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به عنوان مصادیقی از جنایات بین‌المللی، در شمار "جنایات شدید دارای اهمیت بین‌المللی"، قرار می‌گیرند و آثار حقوقی جنایات بین‌المللی بر این‌گونه جنایات نیز مترتب است؛ زیرا علاوه بر الزام دولت‌های عضو معاهدات بر جرم‌انگاری رفتارهای مجرمانه‌ی موضوع معاهدات در مقررات داخلی، دولت‌های عضو معاهدات ضدتروریسم، توافق نموده‌اند که در ایجاد "صلاحیت قضایی جهانی"، مشارکت نمایند (Mozzami & Namamian, 2016) و از طرفی ضمن تأکید بر این امر که هر گاه عملی در قالب یک کنوانسیون بین‌المللی ممنوع اعلام شود، نیازی نیست که لزوماً به "جرم بودن" آن عمل نیز تصریح شود و صرف اعلام ممنوعیت، مجرمانه بودن رفتار را به دنبال خواهد داشت (Sharifi Tarzkohi, 2017) & Modares Sabzevari) به طور کلی هر کدام از

و دانستنی‌های علمی را جهت اجرای این کنوانسیون و هر یک از پروتکل‌های آن مبادله خواهند کرد."

تدابیر کیفی بازدارنده در مقابل تروریسم محیط‌زیستی

پاره‌ای از رفتارها، صرف‌نظر از سطح قباحات اجتماعی و میزان خسارات ناشی آن‌ها برای جامعه، نسبت به جرائم خطرناک جنبه‌مقدماتی دارند و غالباً این‌گونه رفتارها در سازوکار قوانین کیفی در شمار جرائم مانع جرم‌انگاری می‌شوند، از این رو گفته می‌شود جرائم مانع به تأسی از مکتب تحقیقی با هدف جرم‌انگاری پاره‌ای انحرافات، جهت پیشگیری از جرائم خطرناکتر و شدیدتر جرم‌انگاری شده‌اند (Najafi Abrandabadi et al., 2004). به همین خاطر تأثیر و کارآمدی جرائم مانع در روند مقابله با تروریسم محیط‌زیستی، انکارناپذیر خواهد بود و از طرفی با وجود این‌که جرائم مانع از گستره‌ی جنایات بین‌المللی خارجند، اما اینگونه جرائم، از پاره‌ای تدابیر پیشگیرانه از تروریسم محیط‌زیستی در اسناد بین‌المللی نظیر ممنوعیت پشتیبانی از تروریسم (بند ۱(۶) قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت سازمان ملل ۱۹۹۹، پاراگراف اول از ماده‌ی ۲ کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم و غیره)، کنترل توسعه‌ی سلاح‌های کشتار جمعی (ماده‌ی ۱ و ۴ کنوانسیون منع گسترش، تولید و انباشت سلاح‌های باکتریولوژیک (بیولوژیک) و سمی و انهدام آن‌ها ۱۹۷۲، ماده‌ی ۱۷ عهدنامه‌ی صلح ورسای ۱۹۱۹، بند (A) و (B) ماده‌ی ۲ کنوانسیون سرکوب اعمال تروریسم هسته‌ای ۲۰۰۵ و غیره)، حمایت از محیط زیست (ماده‌ی ۱ کنوانسیون راجع به ممنوعیت توسل به تکنیک‌های اصلاح محیط‌زیستی در مخاصمات مسلحانه (ENMOD) ۱۹۷۶، بند سوم از ماده ۳۵ و بند ۱ ماده ۵۵ پروتکل ژنو ۱۹۲۵، و غیره)، حفاظت از سلامت فرآورده‌های کشاورزی (کنوانسیون حفظ نباتات ۱۹۹۷) و غیره که بر حسب قاعده باید در مقررات داخلی تجلی یابند، قابل استخراج خواهند بود.

با ملاحظه‌ی مقررات مختلف، پاره‌ای از جرائم مانع که در ردیف اقدامات مقدماتی جنایات خطرناک از جمله تروریسم محیط‌زیستی قرار می‌گیرند، به طور مستقل وصف مجرمانه یافته‌اند، تا بدین ترتیب در پیشگیری از

جنایات خطرناک مؤثر واقع شوند. در این‌جا مصادیق بارزی از این‌گونه جرائم، مورد بررسی قرار می‌گیرند:

از آن‌جا که تروریسم محیط‌زیستی از طریق آسیب به تمامیت جسمانی افراد صاحب نفوذ سیاسی، اجتماعی، مذهبی و غیره، با هدف یا ابزار قرار دادن محیط زیست، محتمل است، جرم‌انگاری سوءقصد به جان افراد موضوع مواد ۵۱۵ و ۵۱۶ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ که ماهیتاً شروع به قتل عمد تلقی می‌شود (Camfer, 2022)، می‌تواند از مصادیق شروع به تروریسم محیط‌زیستی محسوب شده و در پیشگیری از این‌گونه تروریسم اثرگذار باشد.

تبانی در ارتکاب رفتارهای ضد اجتماعی به صورت نوعی سازماندهی گروهی، مواضع و توافق همراه با وحدت قصد (Elham & Samii Zenouz, 2013) ظاهر می‌شوند و جرم‌انگاری اجتماع و تبانی دو یا چند نفر جهت اقدام علیه امنیت داخلی و خارجی و همچنین اعراض، نفوس یا اموال مردم و تدارک مقدمات اجرائی اینگونه جرائم بر اساس مواد ۶۱۰ و ۶۱۱ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵، می‌تواند گامی مؤثر در پیشگیری از تروریسم محیط‌زیستی محسوب شود.

ارتکاب تروریسم محیط‌زیستی در ابتدای امر، حسب مورد به تهیه مقدمات و تأمین امکانات فنی لازم، مواد خطرناک، نیروی انسانی متخصص و غیره، نیاز دارد و منابع مالی قابل توجهی لازم است تا عملیات مقدماتی فراهم شود و عنصر مادی تروریسم به سرانجام برسد و اهمیت ضرورت منابع مالی در ارتکاب تروریسم، تا حدی است که "به گفته‌ی کمیسیون ۹/۱۱، تلاش برای از بین بردن اقدامات تروریستی از طریق مسدود کردن منابع مالی آنها، همانند تلاش برای گرفتن ماهی از طریق خشک کردن اقیانوس است" (Mehra & Kargari, 2014).

از این رو قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴ با اصلاحات بعدی، به تأسی از اسناد بین‌المللی، به‌ویژه قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت و کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم ۱۹۹۹، به تصویب رسید و ماده ۱ قانون مزبور، تهیه یا جمع‌آوری وجوه یا اموال به هر طریق، صرف‌نظر از منشأ قانونی یا غیر قانونی آن‌ها و یا مصرف تمام یا بخشی از منابع مالی حاصله، از قبیل قاچاق ارز، جلب کمک‌های مالی و پولی، اعانه، انتقال پول، خرید

می‌تواند در پیشگیری از تروریسم محیط‌زیستی مؤثر واقع شوند.

وارد کردن مواد خطرناک به داخل کشور به جای کالاهای قانونی، از طریق جعل اسناد مثبت گمرکی، نظیر مجوزهای مورد نیاز جهت واردات و صادرات کالا، شناسه، کد رهگیری و غیره و نیز استفاده از مستندات جعلی به منظور جلوه‌ی قانونی دادن به وارد یا صادر کردن مواد مورد نیاز در ارتکاب تروریسم محیط‌زیستی و یا سایر اقدامات مضر و غیرقانونی، امری محتمل است، بر همین اساس، ماده ۳۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، توسل به جعل "اسناد مثبت گمرکی اعم از کتبی یا رقمی (دیجیتالی)، مهر و موم یا پلمپ گمرکی و سایر اسناد از قبیل اسناد سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی، مؤسسه ملی استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، ثبت سفارش و سایر مجوزهای مورد نیاز صادرات و واردات، شناسه کالا و رهگیری" و همچنین استفاده از آنها با علم به جعلی بودن را جرم و مستوجب مجازات دانسته شده است، که می‌تواند در پیشگیری از تروریسم محیط‌زیستی، تأثیر به‌سزایی داشته باشد.

بحث

تروریسم محیط‌زیستی از طریق اقداماتی نظیر تعدیلات مصنوعی آب و هوا، دستکاری در رژیم طبیعی بارش از طریق روش‌هایی نظیر بارور کردن ابرها یا ایجاد خشکسالی‌های شدید و بلندمدت، ایجاد زمین لرزه‌های مصنوعی، انحراف طوفان‌های گردباری و تغییرات رعد و برق و غیره، ایمنی زیستی را سلب کرده و موجب آسیب جدی به تمامیت جسمانی انسان‌ها می‌شود و غالباً به صورت بیماری‌های همه‌گیر نمایان شده و خسارات گسترده و جبران‌ناپذیری را به دنبال خواهد داشت، به همین خاطر تمهیدات مقابله با این پدیده جنایی، با تجلی پیشگیری یا سرکوب از اهمیت حیاتی برخوردارند و ابراز واکنش کیفری در مقابله با تروریسم محیط‌زیستی، همراه رعایت حقوق و آزادی افراد جامعه، مستلزم شناخت مفهوم، عناصر اختصاصی، ویژگی‌ها و شرایط پیشامد آن است؛ اما وجهه‌ی سیاسی گونه‌های مختلف تروریسم و

فروش اوراق مالی و اعتباری، افتتاح مستقیم یا غیرمستقیم حساب یا تأمین اعتبار یا انجام هرگونه فعالیت اقتصادی اشخاص توسط خود یا دیگری برای انجام عملیات تروریستی تعیین شده در آن ماده قانونی، یا جهت ارائه به افراد تروریست یا سازمان‌های تروریستی، از مصادیق تأمین مالی تروریسم محسوب و عنوان مجرمانه یافته‌اند.

از آن‌جا که آلوده کردن مواد خوراکی، آشامیدنی، بهداشتی، لوازم اسباب‌بازی کودکان و غیره به مواد سمی، فاسد و غیرمجاز، ترند حائز اهمیت در ارتکاب تروریسم محیط‌زیستی بوده و آثار جبران‌ناپذیری را بر تمامیت جسمانی افراد جامعه‌ی هدف بر جای می‌گذارند، جرم‌انگاری رفتارهای مورد اشاره در ماده ۱ قانون مواد خوراکی، آشامیدنی و بهداشتی مصوب ۱۳۴۶/۲/۲۲ با اصلاحات بعدی، اقدامی صائب به نظر می‌رسد و می‌تواند در جلوگیری از پیشامد تروریسم محیط‌زیستی مؤثر باشد. از طرفی با توجه به مفاد ماده‌ی ۱۲ قانون یاد شده، ترکیبات مورد نیاز در ساخت مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی، بهداشتی و اسباب‌بازی‌ها، بر اساس موازین علمی و معیارهای کارشناسی تعیین و مورد نظارت وزارت بهداشت هستند و جرم‌انگاری تغییر در ترکیبات ساخت مواد مورد بحث، خارج از فرمول‌های اعلام شده و همچنین به کار بردن مواد سمی در رنگ‌آمیزی، شفافیت، تمیز کردن و جلا دادن ظروف و بسته‌های مورد استفاده در بسته‌بندی مواد خوراکی و غیره، حسب مورد در پیشگیری از پیشامد تروریسم محیط‌زیستی تأثیرگذار خواهد بود.

به گواهی رویدادهای تاریخی، آثار زیانبار جبران‌ناپذیری که از انتشار تشعشعات هسته‌ای در محیط زیست بر جای می‌ماند، به لحاظ ماندگاری در طبیعت و اثرگذاری خزنده‌ی آن‌ها بر سلامت جامعه و بیماری‌های علاج‌ناپذیری که از این اثرگذاری ناشی می‌شود، به مثابه سلاح‌های کشتار جمعی عمل می‌کند، به همین خاطر نظارت و حساسیت در کنترل فعالیت‌های هسته‌ای، ضرورتی حیاتی محسوب می‌شود؛ از این رو ماده ۱۸ قانون حفاظت در برابر اشعه، مصوب ۱۳۶۸/۱/۲۰، رفتارهای ناقض توصیه‌ها و الزامات احتیاطی را جرم‌انگاری نموده که

در نظام کیفری ایران رژیم جرم‌انگاری مشخص، همراه با سیاست کیفری جامع و کارآمد، در مقابله با تروریسم محیط‌زیستی پیش‌بینی نشده است، اما به خاطر سخت‌گیرانه‌ترین شرایط عنصر مادی جرایم پیش‌بینی شده در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با اغلب مصادیق تروریسم محیط‌زیستی، صریح‌ترین عنصر قانونی جهت اعمال واکنش کیفری در مقابل تروریسم محیط‌زیستی در نظام کیفری ایران، ماده‌ی ۲۸۶ می‌باشد و در نظام بین‌المللی نیز تروریسم محیط‌زیستی به عنوان "جنایات شدید دارای اهمیت بین‌المللی" بر مبنای تعهدات و تکالیف دولت‌ها، موضوع پاره‌ای از کنوانسیون‌های بین‌المللی، در جرم‌انگاری رفتارهای خطرناک مربوط به این پدیده جنایی و در چارچوب قوانین کیفری ملی، قابل ردیابی هستند.

منابع

1. **Abdulahi, M., 2010.** Terrorism, Human Rights and Humanitarian Rights, first edition, Tehran: Shahraneh. (In persian)
2. **Ardebili, M.A., 2014.** General Criminal Law, Volume 3, 2nd edition, Tehran: Mizan. (In persian)
3. **Akbari, H., Naqvi, M., Jafari, N., Faqih, F. and Askari, M., 2008.** The rate and pattern of mortality due to environmental pollution resulting from the Iraq-Kuwait war in the population living in the southern provinces of Zagros and comparing it with the residents of the northern provinces Zagros, Hakim Research Magazine, 10(3), 54-61. (In persian with English abstract)
4. **Burhani, M., 2015.** Corruption of the earth: conceptual ambiguity, practical corruption (legal analysis of Article 286 of the Islamic Penal Code), Journal of Criminal Law and Criminology Studies, 1(2 and 3), 19-44. (In persian with English abstract)
5. **Burhani, M. and Ahmadzadeh, R., 2018.** Criteria for the identification of land destroyers with an emphasis on drug crimes, Journal of Criminal Law and Criminology Studies, 48(2), 209-225. (In persian with English abstract)
6. **Bekaria, S., 1993.** Treatise on Crimes and Punishments, second edition, translated by Dr. Mohammad Ali Ardabili, Tehran: Shahid Beheshti University. (In persian)
7. **Chalecki, E., 2002.** A New Vigilance: Identifying and Reducing the Risks of Environmental Terrorism, Global Environmental Politics, 2(1), 46-64.
8. **Habibzadeh, M.J., 2000.** combat in Iran's Criminal Law, first edition, Tehran: Tarbiat

دخالت انگیزه‌های سیاسی با نگاه مصلحت‌محور به موضوع، مفهوم‌شناسی و شناخت جوانب امر را دشوار ساخته و در نتیجه پیش‌بینی سیاست کیفری کارآمد در امر مقابله را مختل نموده است. اما جهت ارائه الگوی مفهومی برای تروریسم محیط‌زیستی، می‌توان گفت: "رفتار خشونت‌آمیز یا تهدید به چنین رفتاری است که همراه با هدف یا ابزار قراردادن محیط زیست ابراز می‌شود و تمامیت جسمانی انسان‌ها را در معرض خطر قرار می‌دهد و از این طریق موجب سلب صلح، نظم و امنیت جامعه می‌گردد".

آثار غالباً جبران‌ناپذیر و گسترده‌ی تروریسم محیط‌زیستی به گونه‌ای است که با فرض پیشامد، امکان بازگشت به حالت قبل و جبران زیان‌های ناشی از آن، امری ناممکن خواهد بود، بر همین اساس الگوی سیاست جنایی مقابله با تروریسم محیط‌زیستی باید بر گفتمان پیشگیری غیرکیفری و تمهیدات بازدارنده‌ی کیفری تأکید نماید، تا این‌که علاج واقعه قبل از وقوع صورت پذیرد؛ با این توضیح که در روند سیاست کیفری، علاوه بر جرم‌انگاری مستقیم این پدیده جنایی با عناصر اختصاصی و شرایط مشخص، لازم است که در راستای تدابیر پیشگیرانه، با پیش‌بینی مقرراتی محدود کننده و جرم‌انگاری بازدارنده از رفتارهایی که در شمار عملیات مقدماتی اینگونه تروریسم محسوب می‌شوند، تا حد امکان از پیشامد تروریسم محیط‌زیستی جلوگیری به عمل آورد؛ بر همین اساس با ملاحظه‌ی مقررات در زمینه‌های مختلف، پاره‌ای از جرائم مانع به چشم می‌خورند که در روند پیشگیری از تروریسم محیط‌زیستی اثرگذار خواهند بود.

خاصیت مرزگذری آثار خسارت‌بار ناشی از عملیات تروریسم محیط‌زیستی که به سهولت از طریق رودخانه‌ها یا آب‌های آزاد یا از راه هوا و یا از طریق ناقلان عامل بیماری همه‌گیر به مناطق و کشورهای خارج از منشأ آلودگی، سرایت می‌کنند، ممکن است چندین کشور را گرفتار کند و "صلح بین‌المللی" را مخدوش سازد و یا "نظم" و "امنیت" را از جامعه‌ی بین‌المللی سلب نماید، براین اساس مقابله با تروریسم محیط‌زیستی، به صورت انفرادی و جزیره‌ای، توسط نظام تقنینی واحد و بدون تعامل با جوامع بین‌المللی، ناکام خواهد ماند و نتیجه‌ی مطلوبی بدنبال نخواهد داشت.

23. **Poorhashmi, S.A., Zarei, S. and Khaltabari, Y., 2013.** Reviewing the position of the principle of cooperation in international environmental law, *Public Law Research Quarterly*, 15(39), 61-90. (In persian with English abstract).
24. **Poorhashemi, S.A., Namamian, P. and Tayebi, S., 2015.** Criminalization of environmental terrorism; Challenges, Norms and Strategies, *Journal of Environmental Science and Technology*, 17(1), 167-182. (In persian with English abstract).
25. **Rahbarpour, M.R. and Nurmohammadi H., 2018.** Legal-judicial challenges of the crime of land destruction in the Islamic Penal Code 2013, 6 (22), 205-232. (In persian with English abstract).
26. **Sadeghi, M. and Faal, T., 2018.** The Nature of Crime, two quarterly journals of legal knowledge and research, 4(1), 55-76. (In persian with English abstract).
27. **Safari, A. and Esmaeili, M., 2013.** The approach of international documents to the prevention of terrorism, in the *Journal of Legal Research*, 13, 428-391. (In persian with English abstract).
28. **Schofield, T., 1999.** The Environmental as an ideological weapon: A Proposal to Criminalize Environmental Terrorism, In *Boston College Environmental Affairs Law Review*, 26(3), 619-647.
29. **Schwartz Danial, M., 1998.** Environmental Terrorism: Analyzing the concept. In *Journal of Peace Research*, 35(4), 483-496.
30. **Seacor Jesica, E., 1996.** Environmental Terrorism: Lessons from the Oil Fires of Kuwait, in *American University International Law*, 10(1), 481-523.
31. **Sharifi Tarzkohi, H. and Modares Sabzevari, Sasan., 2017.** "The use of chemical weapons in the Iran-Iraq war from the perspective of international criminal law, *Public Law Research Quarterly*, 18(52), 129-152. (In persian with English abstract).
32. **Taibi, S. and Poorhashmi, S.A., 2017.** Combating global ecoterrorism in the light of international environmental diplomacy, *Private and Criminal Law Research Quarterly*, 13(32), 38-53. (In persian with English abstract).
33. **Vatani, A. and Farhoud, N., 2019.** Analysis and investigation of the relationship between land corruption crimes and Iran's national security", *New Perspectives in Human Geography Quarterly*, 11(3), 323-353. (In persian with English abstract)
34. **Vircavs, Magnuss., 2009,** Development of environmental management system, in *Latvia and threats of environmental terrorism*, 16(S1), 51-61.
35. **Yazdi Modaresi, S. and Mohammad, R., 2008.** Research on the Concept and Ruling of Corrupt in the Land, *Islamic Government Magazine*, 13(1), 5-38. (In persian with English abstract).
9. **Goldust, J.R., 2008.** Crimes against the country's security (jurisprudential and legal review of combat and similar crimes), first edition, Tehran: Jangal. (In persian).
10. **Guderzi Boroujerdi, M. and Meqdadi, L., 2016.** Introduction to the French Penal Code, first edition, Tehran: Khorsandi. (In persian).
11. **Hall, M., 2013.** Victims of environmental harm: rights, recognition and redress under national and international law, First published By Routledge: Taylor & Francis Group, London And New York.
12. **Hashemi Shahroudi, A.S.M., 1999.** Principles of Penal Jurisprudence, first edition, Tehran: Mizan. (In persian)
13. **Hashemi Shahroudi, S.M., 1997.** Who is combatant and what is combat? (A discussion on the recognition of the issue of the limit of muharibeh) *Ahl al-Bayt Jurisprudence Quarterly*, 11 and 12, 143-200. (In persian with English abstract).
14. **Kargari, N., 2012.** Interviews of Terrorism, first edition, Tehran: Mizan. (In persian).
15. **Mahdavi Gourabi, M. and Aminzadeh, E., 2011.** Persian Gulf, second edition, Tehran: Book House. (In persian).
16. **Marashi, S.M.H., 2011.** Corruption on Earth from the perspective of the Qur'an, Hadiths and Reason, *Legal Journal of Court*, 55(2), 43-56. (In persian with English abstract).
17. **Marchuk, I., 2014.** The Fundamental Concept of Crime in International Criminal Law (A Comparative Law Analysis), Springer-Verlag Berlin Heidelberg.
18. **Moazzami, S. and Namamian, P., 2016.** Exercises of global jurisdiction in the fight against terrorism, in the collection of articles on terrorism, first edition, Tehran: Negah Bineh. (In persian)
19. **Mohammadzadeh, A.A., Heydari, M.A. and Tawakoli, A., 2020.** Review and jurisprudential criticism of the establishment of the Shari'a limit of "Land Destruction" in the Islamic Penal Code of 2013, *Journal of Fundamentals of Islamic Law*, 13(26), 169-194. (In persian with English abstract).
20. **Mujahed, M.E., Abedini Najafabadi, A. and Panjepour, J., 2020.** Sufficiency of jurisprudential documentation and conventional evidence of criminalization of land corruption, *Scientific Journal of Jurisprudence, Law and Criminal Sciences*, 5(17), 70-87. (In persian with English abstract).
21. **Najafi Abrandabadi, A.H., Habibzadeh M.J. and Babaei, M.A., 2014.** Dterrent Crimes, *Quarterly of Modares Humanity science, Law Special Issue*, 37, 23-49. (In persian with English abstract).
22. **Nanakar, M., 1998.** corruption on earth in jurisprudence and jus singulare, first edition, Tehran: Mersal. (In persian)





Analyzing Iran's Legislative Criminal Policy in Dealing with Environmental Terrorism, Emphasizing the Need for Criminalization and Preventive Measures

Behrouz Sepehri¹, Norouz Kargari*¹, Mohammad Ashuri¹, Qasem Ghasemi¹

1- PhD student, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2*- Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran

3- Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran

4- Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Original Article

Received:
2024.08.06

Accepted:
2024.10.13

Keywords:
Environmental
Terrorism,
Biosafety,
Criminal Policy,
Environment,
Confrontation

Abstract

Introduction: environmental security, is a necessary condition for the health and continuity of human life on earth and due to the vital, widespread and inevitable dependence of humans on the environment, if the environmental security is taken away and it is removed from the possibility of healthy living, as a result of the goal or the means of placing the environment, following environmental terrorism, with various methods such as polluting the natural and man-made environment with dangerous substances, extensive and irreparable damage is caused to human life and health And often, the most obvious effects of damage to the safety and health of the environment appear in the form of epidemics, and on the other hand, the cross-border effects of such actions and the possibility of transferring the said effects from through the flow of air or water or the carriers of disease agents to countries and regions beyond the place of the accident, and the possibility of spreading some of these effects on the life and health of future generations, reveals the seriousness of the danger of environmental terrorism, hence, The purpose of this thesis is to explain the vital necessity of legal, technical and specialized contrast, against environmental terrorism in the form of an efficient criminal policy with international interaction, with emphasizing the extent and irreparability of the effects caused by environmental terrorism, and the necessity and importance of preventive measures.

Materials and Methods: In terms of the goal, the current research will cause expansion the legal theories and doctrine and complete the previous theories with the fundamental method of the research results, and also with

the practical approach, effective practical solutions to deal with environmental terrorism will be presented, and on the other hand, the materials and information used in the research, They are collected with the library method and after collecting and categorizing the materials and information, with the descriptive-analytical method, the findings and the collected materials are analyzed logically and legally and they are used as the basis of citation to strengthen the approach of the researcher in the relevant subject.

Results: In a comprehensive and efficient criminal policy to contrast against environmental terrorism, in addition to criminalizing this criminal phenomenon along with the real conceptology and in addition to recognizing its specific elements, it is expected that with the necessary criminal measures, specialized measures will be taken to identify and criminalize behaviors that it has a preliminary aspect to dangerous crimes, and it is possible that environmental terrorism is also committed through them, and therefore, in order to prevent this criminal phenomenon, criminalize such behaviors in the form of obstruction crimes seems necessary.

Discussion: In Iran's criminal system, environmental terrorism has not been considered as an independent criminal behavior, with specific elements and specific conditions, However, due to the inherent of the behaviors related to environmental terrorism, this type of terrorism is inherently reprehensible, and as a rule, it can be included in various legal elements in the criminal laws, and on the other hand, due to the analogy of some elements of this criminal phenomenon with the destruction of the earth, According to jurisprudence, significant examples of environmental terrorism behaviors can be considered as examples of corruption in the land subject to Article 286 of the Islamic Penal Code (approved in 2012). However, in the set of regulations in various fields, some deterrent criminal contrivances are visible in the form of obstruction crimes, which are effective in the process of preventing environmental terrorism and play an effective role in the effectiveness of the criminal policy of counteraction.